



تربیت

خطای اول در تربیت

مرور اهمیت بازشناسی مفهوم تربیت

● ابراهیم اصلانی، روان‌شناس تربیتی

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، تربیت، مفهوم

آنچه در این مجموعه مطالب می‌آید، شاید در نگاه اول جنبه نظری داشته باشد، اما هدف اصلی، یادآوری اهمیت درک مفاهیم در عرصه عمل است. نویسنده تلاش دارد با بازبینی مفاهیم و نکاتی که ساده و بدیهی به نظر می‌رسند، تأکید کند که بسیاری از کاستی‌ها و معضلات از همین ساده‌انگاری و بدیهی‌فرض کردن شروع می‌شوند. ماهنامه رشد مدیریت مدرسه امیدوار است با این نوع مطالب، اهمیت و ضرورت تلفیق نظر با عمل را یادآوری کند.

چالش مفاهیم

(پرورش). نکته‌های متعددی بیان شده بودند که متناقض به نظر می‌رسیدند. در پایان، استاد به همان حالت ابهام و تعجب همیشگی پرسید، شما بالاخره فهمیدید چه می‌گوید؟! در سال‌های بعد و در موقعیت‌های گوناگون دیگر هم دریافتم که تا چه اندازه در حوزه‌های فرهنگ و تربیت، درک و اشتراک مفاهیم مشکل داریم. گاهی تصور ما از واژه‌ها در حد معنی لغت و توضیح ساده آن‌ها خلاصه می‌شود. از هر کدام از ما درباره مفهوم واژه‌ای سؤال شود، نکته‌هایی را می‌گوییم که در حالت خوش‌بینانه، لغت‌نامه یا درکی است که خودمان از آن داریم. اما در نگاه علمی، این روش اصلاً درست نیست. هر واژه مفهومی دارد و بر اساس آن کارکردهای مشخصی پیدا می‌کند. این کارکردها در عرصه عمل تأثیر گذارند.

«آموزش» و «پرورش»

یکی از مصداق‌های آشکار معضلات واژه‌شناسی همین اصطلاح آموزش و پرورش است. این اصطلاح به‌ظاهر ساده، دانسته یا ندانسته منشأ بسیاری از مسائل در طول چند دهه

در اوایل دهه ۷۰ که در کلاس درس زنده‌یاد استاد علی‌اکبر شعاری‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۰۴) حضور داشتیم، در کنار آموزه‌های علمی و تربیتی، یک نکته را هم یاد گرفتیم: «دقت در مفهوم واژگان». هر بار در کلاس واژه‌ای خاص را به کار می‌بردیم، استاد درخواست می‌کرد معنا و مفهوم آن را هم بگوییم. اینجا بود که چالش اصلی شروع می‌شد. اگر چیزی می‌گفتیم که ساختگی و سرسری بود، استاد طعنه می‌زد چیزی بگویید که در شأن علمی شما باشد. اگر هم چیزی می‌گفتیم که مبهم و پیچیده بود، استاد می‌گفت چیزی بگویید که من هم بفهمم! به‌طور معمول، کار با پاسخ استاد خاتمه نمی‌یافت، بلکه ایشان منابعی را معرفی می‌کرد تا ببینیم و بخوانیم و به پاسخی برسیم که قابل ارائه و دفاع باشد.

در همان ایام، وزارتخانه استاد شعاری‌نژاد و افراد دیگری را به جلسه‌ای دعوت کرده بود تا درباره عنوان «آموزش و پرورش» برای وزارتخانه بحث کنند. استاد صورت جلسه مذاکرات را سر کلاس آورد و آن را خواند. بحث در مورد این بود که چه اسمی برای وزارتخانه مناسب‌تر است: آموزش و پرورش یا تربیت

بوده است. در سال‌های اخیر که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کمک کرده است وزارت آموزش و پرورش حداقل یک تعریف رسمی از «تربیت» ارائه دهد، باز هم ابهام آموزش یا پرورش یا برجای مانده است. به این نکته در جای خود دوباره باز خواهیم گشت، اما بحث فعلی روی آثار و تبعات اصطلاح آموزش و پرورش است.

ببینید عنوان «آموزش و پرورش» چه چالش‌هایی به همراه داشته است:

- تصور اولیه این بود که «آموزش» و «پرورش» هر کدام موضوعی جداگانه هستند. بنابراین، از ابتدا برای هر یک تشکیلاتی جداگانه با کارکردها و شرح وظایف مجزا راه‌اندازی شد.

- بعدها گفتند «آموزش» و «پرورش» دو موضوع جدا نیستند، بلکه یک هدف را دنبال می‌کنند، ولی «پرورش» بر «آموزش» تقدم دارد.

- زمانی رسید که گفتند اصلاً دوگانگی در «آموزش» و «پرورش» وجود ندارد و همه کارها یکی هستند. حاصل این تفکر انحلال بخش تربیتی وزارتخانه بود.

- چند سال بعد به این نتیجه رسیدند که انحلال بخش تربیتی اقدامی سیاسی و نادرست بوده است. بنابراین، دوباره به ایده دوگانه برگشتند. باز هم «آموزش» و «پرورش» در دو مسیر پیش رفتند؛ اگر چه همچنان این اصرار وجود داشت و دارد که نباید آن‌ها را دو تا دید!

مرور همین تاریخچه مختصر نشان می‌دهد که واژه‌ها چقدر مهم هستند و تا چه اندازه می‌توانند در عرصه عمل نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

هنوز هم رد پای دوگانگی «آموزش» و «پرورش» دیده می‌شود و همچنان اشتراک معنا درباره این مفاهیم کم‌رنگ است.

واژه‌های دیگر

علاوه بر اصطلاح آموزش و پرورش، ما در مورد واژه‌های دیگر هم دچار ابهام و چالش‌های ناشی از این ابهام هستیم. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم:

- **یادگیری:** حتی اگر بتوانیم تعریفی از یادگیری بیان کنیم، در درک مفهوم آن مشکل داریم. به این سؤال‌ها ببندیشیم: انتظار ما از یادگیری چیست؟ دانش‌آموزان چگونه یاد می‌گیرند؟ چگونه می‌توان یادگیری را ارزیابی کرد؟ پاسخ به چنین سؤال‌هایی مشخص می‌کند چه تصویری از یادگیری داریم؛ تصویری که احتمالاً حاصل استنباط شخصی است و از رویکرد علمی فاصله دارد.

- **انگیزش:** یکی از مبهم‌ترین واژگان در تربیت، مفهوم «انگیزش» است. ناآشنایی با مفهوم انگیزش منجر می‌شود از کارکردهای انگیزش درک نادرستی داشته باشیم و به روش‌های خطا رو بیاوریم. در افکار و روش‌های انگیزشی والدین و مدرسه‌ها خطاهای فراوانی قابل شناسایی هستند.

چگونه می‌توان دانش‌آموزان را درستی تربیت کرد، در حالی که هرکس استنباطی متفاوت و شخصی

از تربیت داشته

باشد و تازه این

استنباط هم

چندان درست

نباشد

- **رقابت:** رقابت یک مفهوم انگیزشی است که در تربیت کاربرد زیادی دارد. رقابت هم از مفاهیم ناشناخته و مبهم بین والدین و مدرسه است. بخش عمده‌ای از روش‌های انگیزشی مدرسه بر رقابت مبتنی است، بدون آنکه به کارکردها و نتایج عملی آن توجه شود. به همین ترتیب، واژه‌های دیگری چون هوش، خلاقیت، تفکر، ارزشیابی و غیره، قابل تأمل هستند.

به تربیت بازگردیم

امیدوارم مثال‌ها و نمونه‌هایی که آمدند، توجه را به اصل موضوع جلب کرده باشند؛ یعنی اهمیت و ضرورت بازشناسی مفاهیم. دامنه بحث ما «تربیت» است و پیگیری مفاهیم دیگر را به خوانندگان واگذار می‌کنیم. می‌خواهم دوباره به مفهوم تربیت ببندیشید: چه تعریفی از تربیت دارید؟ چقدر روی این تعریف فکر کرده‌اید و می‌توانید تبیین و تحلیل منطقی و محکمی از آن ارائه دهید؟

بارها و در موقعیت‌های گوناگون از مدیران مدرسه و معلمان زیادی خواسته‌ام تعریفی از تربیت بنویسند. مراجعه به پاسخ‌ها نشان می‌دهد:

- تعریف‌ها بسیار متنوع و پراکنده بوده‌اند.
- بین تعریف‌ها اشتراک معنی اندکی وجود داشته است.
- کمتر می‌شد تعریف مستدل و محکمی دید.
- با وجود انتشار و توزیع سند تحول بنیادین در همه مدرسه‌ها، کمتر کسی به تعریف موجود در این سند استناد می‌کند.



پیش از ادامه بحث، شما هم وارد میدان عمل شوید:

۱. با کدو کاو در کتاب‌ها و منابع معتبر به تعریف مشخصی از تربیت برسید.

۲. با کنار هم گذاشتن چند تعریف از تربیت، ببینید چه تحلیلی می‌توانید از تفاوت‌های احتمالی بین این تعریف‌ها ارائه دهید. هر تعریف، چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟
۳. در جلسه شورای معلمان، همین سؤال (تعریف تربیت) را بپرسید و پاسخ‌ها را به بوتۀ بررسی و نقد بگذارید. خوب است به اشتراک نظر جمعی برسید.



همه ما در مدرسه ظاهراً برای انجام یک کار جمع می‌شویم؛ «تربیت». چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به درستی تربیت کرد در حالی که هر کس استنباطی متفاوت و شخصی از تربیت داشته باشد و تازه این استنباط هم چندان درست نباشد! تربیت‌شناسی یعنی بازگشت دوباره به مفاهیم بنیادین در تربیت و تلاش برای درک عمیق و ماندگار این مفاهیم به منظور یافتن کارکردها و رسیدن به روش‌های درست و کارآمد. ■